

Original Article

Developments in the Legislative Criminal Policy of the Islamic Republic of Iran in the Prevention of Victimization Children and Adolescents

Mohammad Hossein Sadeghi¹, Akbar Varvaei^{2*}, Mohammad Javad Jafari³

1. Ph.D. Student in Criminal Law and Criminology, Kermanshah Branch, Islamic Azad University, Kermanshah, Iran.
2. Professor, Department of Law, Kermanshah Branch, Islamic Azad University, Kermanshah, Iran. (Corresponding Author) Email: dr.akbarvarvaei@yahoo.com
3. Assistant Professor of Law, Kermanshah Branch, Islamic Azad University, Kermanshah, Iran.

Received: 7 Apr 2020 Accepted: 26 Jul 2020

Abstract

Background and Aim: Violence against children is one of the issues that has a long history of humanity and in different periods of history has targeted children in different ways and unfortunately today as a growing phenomenon in societies it is called civilized appearance. Vulnerability due to physical weakness, young age, and shaky social status are some of the things that always put this group at risk of victimization. The purpose of this study is to historically review the laws and legislative criminal policy of the Islamic Republic of Iran in preventing child and adolescent victimization and efforts to support working children, orphans and abused in society.

Materials and Methods: This descriptive-analytical study using library data has historically examined the laws of prevention of violence against children.

Findings: The research findings indicate that during the past decades, various laws have been passed in Iran to protect children and prevent their victimization, which have shortcomings every year.

Conclusion: The results of the research show that with the passage of time and the emergence of new social and cultural situations, criminal and legislative laws have been enacted to better prevent the victimization of working, vulnerable, homeless and abused children, including the use of helpers, structural changes. In the rules and approach of the police is specific to children.

Keywords: Prevention of Victimization; Children; Developments; Legislative Criminal Policy

Please cite this article as Sadeghi.MH, Varvaei A, Jafari MJ. Developments in the Legislative Criminal Policy of the Islamic Republic of Iran in the Prevention of Victimization Children and Adolescents. *Iran J Med Law, Special Issue on Human Rights and Citizenship Rights 2020; 285-299.*

تحولات سیاست جنایی تقنینی جمهوری اسلامی ایران در پیشگیری از بزه‌دیدگی اطفال و نوجوانان

محمدحسین صادقی^۱، اکبر وروایی^{۲*}، محمدجواد جعفری^۳

۱. دانشجوی دکترای حقوق جزا و جرم‌شناسی، واحد کرمانشاه، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمانشاه، ایران.

۲. استاد گروه حقوق، واحد کرمانشاه، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمانشاه، ایران. (نویسنده مسؤول) Email: dr.akbarvarvaei@yahoo.com

۳. استادیار گروه حقوق، واحد کرمانشاه، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمانشاه، ایران.

دریافت: ۱۳۹۹/۱/۱۹ پذیرش: ۱۳۹۹/۵/۵

چکیده

زمینه و هدف: آزار و خشونت علیه اطفال، از جمله مسائلی است که سابقه‌ای به طول عمر بشریت دارد و در ادوار مختلف تاریخ به طرق متفاوت کودکان را هدف قرار داده است و متأسفانه امروزه نیز به عنوان پدیده‌ای رو به رشد در جوامع به ظاهر متمدن از آن یاد می‌شود. آسیب‌پذیری به دلیل ضعف جسمی، پایین بودن سن، متزلزل بودن موقعیت اجتماعی از جمله مواردی است که همواره این گروه را در معرض خطر بزه‌دیدگی قرار می‌دهد. هدف از انجام این پژوهش بررسی تاریخی قوانین و سیاست جنایی تقنینی جمهوری اسلامی ایران در پیشگیری از بزه‌دیدگی اطفال و نوجوانان و تلاش در جهت حمایت از کودکان کار، بی‌سرپرست و بدسرپرست در جامعه است.

مواد و روش‌ها: این پژوهش به روش توصیفی - تحلیلی با استفاده از داده‌های کتابخانه‌ای به بررسی تاریخی قوانین پیشگیری از خشونت علیه کودکان پرداخته است.

یافته‌ها: یافته‌های پژوهش نشانگر آن است که در طول دهه‌های گذشته قوانین مختلفی در ایران به منظور حمایت از کودکان و پیشگیری از بزه‌دیدگی آن‌ها مصوب شده‌اند که هر ساله نواقص را دارا بوده‌اند.

نتیجه‌گیری: نتایج تحقیق بیان می‌دارد که با گذشت زمان و بروز موقعیت‌های اجتماعی و فرهنگی جدید قوانین جنایی و تقنینی در جهت پیشگیری بهتر از بزه‌دیدگی کودکان کار، آسیب‌پذیر، بی‌سرپرست و بدسرپرست وضع گردیده‌اند که شامل بهره‌گیری از مددکاران، تغییرات ساختاری در قوانین و رویکرد پلیس ویژه اطفال می‌باشد.

واژگان کلیدی: پیشگیری از بزه‌دیدگی؛ کودکان؛ سیر تحولات؛ سیاست جنایی تقنینی

مقدمه

کودکان در طول تاریخ با تجاوز و آزار بسیاری دست و پنجه نرم کرده‌اند و به خاطر آسیب‌پذیری‌شان همواره در معرض رفتارهای ظالمانه قرار گرفته‌اند، مثلاً در قانون حمورابی اصل شخصی نبودن مجازات رعایت می‌شد و کودکان گاهی به علت ارتکاب جرمی توسط والدینشان قصاص می‌شدند، مثلاً اگر پدری دختری دیگری را به قتل می‌رساند، دختر قاتل قصاص می‌شد و البته حمایت‌هایی هم مقرر شده بود (۱).

مثلاً در ماده ۱۰۴ قانون حمورابی مقرر است که «اگر شخصی فرزند صغیر دیگری را برباید، به اعدام محکوم می‌شود» و یا در صورت دوقلو بودن کودکان آن‌ها را می‌کشند و این را نشانه خیانت زن می‌دانستند و کودکان تا مدتی جایگاهی در جامعه نداشتند. نگرش به کودک به عنوان فرد مستقل از قرن ۱۷ میلادی آغاز شد و سرانجام در سال ۱۸۶۰ دکتر آمبرواز تاردیو، کودک را فردی مستقل معرفی کرد و همراه این عمل، خشونت‌های واردآمده بر کودکان را که باعث قربانی شدن کودک می‌شود، تحت عنوان بدرفتاری نسبت به کودکان معرفی کرد.

امروزه توجه به حقوق کودکان و نگرش نظام کودک‌محور در کلیه سیاست‌گذاری‌های آموزشی، تربیتی، فرهنگی، اجتماعی و حقوقی کشور بخشی از روند توسعه و منافع ملی محسوب می‌شود و دولت‌ها باید در راستای تعهد ملی - انسانی خود در تحقق سیاست جنایی مزبور، بودجه، امکانات و منابع انسانی کافی اختصاص دهند، زیرا نجات کشورها از معظلات دامن‌گیر کنونی نظیر فقر، بیکاری، بزه‌کاری و به ویژه اعتیاد و قاچاق مواد مخدر، قاچاق انسان، آدم‌ربایی و تروریسم و ضرورت پیشگیری اجتماعی از روند فزاینده بحران‌های انسانی - اجتماعی در زمینه معظلات مزبور و نیز ممانعت از تکرار تبه‌کاری‌ها و نابسامانی‌ها ارتباطی آشکار با رسیدگی به وضعیت و مشکلات کودکان و نوجوانان به عنوان آینده‌سازان و مدیران آتی جوامع دارد.

به منظور تدوین یک سیاست جنایی تقنینی جامع و کارآمد که بتواند طیف گسترده کودکان بزه‌دیده، شاهد جرم،

در معرض خطر و معارض با قانون را شامل شود، دولت‌ها باید با بهره‌گیری از سازمان‌های غیر دولتی، در مرحله اول برنامه‌ای مدون در پیشگیری اجتماعی از بزه‌کاری را ساماندهی کنند، سپس با عنایت ویژه به افشار آسیب‌پذیر که مصداق بارز آن کودکان در معرض خطر، قربانی و شاهد جرم هستند، با برنامه‌ریزی اصولی و قانونی اقدامات مؤثری برای جلوگیری از سقوط ایشان در ورطه بزه‌دیدگی را مبذول دارند (۲).

در قوانین کیفری که ناظر بر تعریف جرم، مجازات و مسؤولیت کیفری برای مرتکبان جرائم است، نظام حقوقی کودک‌مدار به گونه‌ای مدون می‌شود که اگر بزه‌دیده کودک یا نوجوان باشد، برای حمایت از آنان سیاست کیفری شدیدی اتخاذ نماید و مرتکبان بزرگسال جرائم علیه کودکان را به گونه‌ای کیفر کند که جنبه بازدارندگی آن شفاف باشد و منتهی به هدف پیشگیری از تکرار جرم علیه آنان شود.

قوانین کیفری شکلی راجع به کیفیت کشف جرم، تعقیب متهمان، تحقیقات مقدماتی جرائم، نحوه محاکمه، سازمان و صلاحیت مراجع قضایی، انتظامی، طرق شکایت از آرای کیفری و چگونگی اجرای احکام جزایی است. مقنن در تدوین این دسته از قوانین نیز باید منافع عالی کودک و نوجوان را اعم از این‌که متهم یا بزه‌دیده باشند، رعایت کند. جنبه حمایتی این قوانین نیز باید با لحاظ اصول دادرسی عادلانه و منطبق با دستاوردهای علوم جنایی، جرم‌شناسی و کنوانسیون حقوق کودک بر همگان روشن باشد. در قوانین شکلی کیفری کودک مدار، دادرسی باید به گونه‌ای مقرر شود که در صورتی که کودک بزه‌دیده باشد، در شیوه کشف و اعلام جرم تسهیل ویژه قائل شود. برای مثال مصادیق اشخاصی را که بر مبنای اعلام جرم ایشان می‌توان مرتکب را تعقیب کرد، توسعه دهد. همچنین به حدود اختیارات ظابطان دادگستری برای نجات کودکان بزه‌دیده و در معرض خطر بپردازد و سرانجام، به جرائم علیه کودکان به صورت فوری و خارج از نوبت رسیدگی شود و افشای مشخصات و هویت کودک و نوجوان بزه‌دیده و در معرض خطر جلوگیری به عمل آورد (۲).

بحث و بررسی تحولات تاریخی پیشگیری از بزه‌دیدگی اطفال و نوجوانان

نگاهی به شریعت اسلام و سیره و روش پیامبر اکرم (ص) و امامان معصوم و دستورات و آموزه‌های دینی گویای حمایت از حقوق قانونی کودک است. جاهلیت عربی پیش از اسلام تولد دختر را مایه ننگ پدر می‌دانست و به زنده به گور کردن دختران بی‌گناه وجهه مشروعیت بخشیده بود، اما سیره پیامبر اکرم (ص) که به تأسی از آموزه‌های اسلامی بود، نه تنها دختر معصوم را از زنده به گور شدن نجات داد، بلکه به وی حق حیات بخشید و حتی حق ارث‌بردن از میراث والدین را در حد نصف فرزند پسر به وی اعطا نمود. به نظر می‌رسد حقوقی که اسلام برای کودک قائل شده است، فراگیری و مخاطب‌پذیری شایسته‌ای می‌توانست داشته باشد، اما دایره بسته اندیشه‌ها، نتوانسته است بالندگی آموزه‌های دینی را در بستر زمان و مکان و همخوان با پیشرفت دانش بشری به جهانیان عرضه نماید. «نمادهایی از این دایره بسته را در شکل‌گیری قوانین حاکم بر نظام حقوقی ایران در مورد اطفال و کودکان می‌توان مشاهده نمود که در طی زمان به بالندگی و کارآمدی لازم نرسیده‌اند، البته نباید اهمیت قانون جدید مجازات اسلامی را که به تصویب مراجع ذی‌ربط رسیده و به زودی با ابلاغ قانونی، جایگزین قانون قبلی خواهد شد، از نظر دور داشت. قانون جدید در گامی ارزشمند در مورد سن مسؤولیت کیفری بین بلوغ عقلی و جسمی تفکیک قائل شده و کودکان را در سه گروه سنی تا ۱۲ سال، ۱۲ تا ۱۵ سال و ۱۵ تا ۱۸ سال قرار داده است. همچنین قانونگذار ایرانی در قانون جدید مجازات، تفکیک بین دختران و پسران را برای مجازات حذف و طفل را فرد زیر هجده سال تعریف نموده است (۵).

در حقیقت قانونگذار با اصلاح ارزنده قانون، حکم ماده یک کنوانسیون حقوق کودک، که کودک را کلیه افراد انسانی زیر هجده سال می‌داند، تحقق بخشیده است و به این ترتیب نظام حقوقی ایران در حمایت از کودکان، با ماده ۳۷ کنوانسیون جهانی حقوق کودک در مورد ممنوعیت اعدام کودکان منطبق می‌شود، امری که می‌تواند به بالندگی حقوق بشر در جامعه

ایرانی منتج شده و وجهه نظام حقوقی ایران را در سطح بین‌المللی به نحو شایسته‌ای ارتقا دهد» (۶).

۱- قوانین مصوب سال ۱۳۷۲

دولت جمهوری اسلامی ایران در تاریخ ۱۴ مهر سال ۱۳۷۰ پیمان جهانی حقوق کودک را امضا کرد و در اسفند سال ۱۳۷۲ به موجب ماده واحده‌ای که به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید به کنوانسیون حقوق کودک ملحق شد. الحاق مذکور مشروط بر آن است که مفاد کنوانسیون در هر مورد و هر زمان، در تعارض با قوانین داخلی و موازین اسلامی باشد یا قرار گیرد، از طرف جمهوری اسلامی ایران لازم‌الرعايه نباشد. در آذر ۱۳۷۶ ایران گزارش مقدماتی خود را به کمیته حقوق کودک تقدیم کرد که کمیته پس از بررسی مقدماتی، سؤالاتی را از ایران برای تبیین بیشتر اطلاعات ارائه‌شده مطرح کرد. کنوانسیون حقوق کودک در ایران ویژگی‌های خاص خود را دارا است، از جمله امضا آن توسط کشور ایران، انعطاف‌پذیری، جامعیت، حاصل تجربیات کارشناسان، توجه به کودک به عنوان موجودی مستقل، تأکید بر دخالت دولت، گستردگی مجریان، توجه به نهاد خانواده و اولویت‌دادن به منافع کودکان، اما عدم رعایت یا عدم توجه به بعضی از این ویژگی‌ها در ایران مانع از اجرای کامل این کنوانسیون می‌شود» (۳).

۱-۱- پذیرش مشروط کنوانسیون: الحاق مشروط ایران

به کنوانسیون به این معنی است که مفاد آن در هر مورد و هر زمان در تعارض قوانین داخلی و موازین اسلامی باشد، از طرف ایران لازم‌الرعايه نباشد. از ویژگی‌های دیگر این کنوانسیون در ایران گستردگی مخاطبان آن است که دلیل این امر هم قرارگرفتن نیمی از افراد جامعه زیر ۱۸ سال طبق ماده ۱ این پیمان‌نامه است، «هرچند که ایران تغییراتی را بر اساس قوانین داخلی خود در این ماده به وجود آورده و گاهی آن را به ۱۵ و ۱۶ سال کاهش داده، ولی با توجه به جوان‌بودن جمعیت ایران باز گستره مخاطبان آن به مراتب بیشتر از سایر کشورهاست و این امر نشان از لزوم توجه بیشتر مسؤولان به این قضیه است که به نظر می‌رسد در جهت عکس عمل می‌شود، یعنی به جای توجه بیشتر یا کم‌تر توجه می‌شود یا اصلاً توجهی نمی‌شود. یکی از ویژگی‌های کنوانسیون انعطاف‌پذیری آن

طبق این ماده کودک‌آزادی از جرائم عمومی بوده و احتیاج به شکایت شاکی خصوصی ندارد.

- تکلیف افراد، مؤسسات و مراکز مسؤول نگهداری و سرپرستی کودک در اعلام و مشاهده موارد کودک‌آزادی به مقامات صلاحیتدار و تعیین ضمانت اجرای کیفری در این خصوص (ماده ۶). به موجب این ماده، تخلف از این تکلیف موجب حبس تا شش ماه یا جزای نقدی تا پنج میلیون ریال خواهد بود (۴).

در این قانون، مقنن به دور از اختلاف نظرهای پیرامون سن کودکی در حقوق ایران و با دیدگاه حمایتی، در ماده ۱ کلیه اشخاصی که به سن هجده سال تمام شمسی نرسیده‌اند را مشمول قانون دانسته است. نوآوری دیگر این که، برای اولین بار آزار و اذیت روانی و عاطفی کودک به عنوان جرم شناخته شد. همچنین به منظور تلاش برای بیداری وجدان عموم جامعه و واکنش نسبت به کودک‌آزادی، این جرم را جرم عمومی اعلام نمود. الزام قانونی کلیه افراد و مؤسسات و مراکزی که به نحوی مسؤولیت نگاهداری و سرپرستی کودکان را بر عهده دارند، برای اعلام موارد کودک‌آزادی در صورت مشاهده و پیگرد قانونی افراد مذکور در موارد تخلف از این دستور و تجمیع اعمال مجرمانه علیه اشخاص زیر ۱۸ سال تمام شمسی که در سایر قوانین و مقررات کیفری به صورت پراکنده وجود داشت نیز از مزایای این قانون است» (۸).

در حمایت از اطفال بزه‌دیده، آنچه همواره می‌بایست مورد توجه قرار گیرد، «پیشگیری» از وقوع جرم است، اما قانونگذار سال ۱۳۸۱ بدون توجه به رویکرد غیر کیفری در پیشگیری اجتماعی و وضعی، صرفاً به موضوع تعقیب و مجازات و تنبیه مجرمان و بزه‌کاران بسنده نمود. مشخص‌نبودن حد تنبیه و تأدیب کودکان توسط والدین و سرپرستان قانونی در قوانین جاری از جمله مشکلاتی بود که انتظار می‌رفت با تصویب قانون ۱۳۸۱ مرتفع شود که چنین نشد و شورای نگهبان با استناد به این که حریم خصوصی افراد باید حفظ شود، آنچه که در خانه به نام تأدیب و تربیت فرزند صورت می‌گیرد را خارج از این قانون دانست. مشخص‌نمودن حد تنبیه و تأدیب متعارف

است، یعنی قابلیت اجرایی کنوانسیون در کشورها با وجود تفاوت‌های فرهنگی، اجتماعی و... ولی متأسفانه این ویژگی در ایران رعایت نمی‌شود. به عبارت دیگر کنوانسیون حقوق کودک در ایران انعطاف‌پذیر نیست، هرچند دولت جمهوری اسلامی ایران با امضای کنوانسیون گام مهمی در جهت احقاق حقوق کودکان برداشته است و نشان از اعتقاد و احترام آنان نسبت به حق و حقوق کودکان می‌باشد، اما پذیرش مشروط این کنوانسیون توسط دولت جمهوری اسلامی و گنجاندن ماده و تبصره‌هایی به تمامی ماده‌های آن از جمله تعریف کودک، عدم تبعیض بین کودکان، رعایت منافع کودکان، حق حیات، حق کسب هویت، حق زیستن با والدین، حق ورود یا ترک کشور به منظور پیوستن به والدین، حق ابراز عقیده، حق دسترسی به اطلاعات، حق آزادی تفکر و مذهب، حق خلوت، مسؤولیت مشترک والدین، ممنوعیت رفتار خشن با کودکان، امکان زیستن در خانواده، حق کودکان پناهنده، کمک به کودکان معلول، حق برخورداری از بالاترین استاندارد و زندگی مناسب، حق آموزش و تحصیل و همچنین عدم توجه به بعضی از حقوق ابتدایی کودکان از جمله حق تفریح و بازی، عملاً اجرای کنوانسیون حقوق کودک را در ایران با مشکل رو به رو کرده است و نکته جالب‌تر این که حتی در مواردی که طبق قوانین داخلی حقوقی برای کودک در نظر گرفته شده، همان حقوق هم عملی و اجرایی نشده است» (۷).

۲- قوانین مصوب سال ۱۳۸۱

یکی از مهم‌ترین قوانین در خصوص حمایت از اطفال بزه‌دیده پس از انقلاب، قانون حمایت از کودکان و نوجوانان ۱۳۸۱ می‌باشد. قانونگذار ایران با توجه به ضرورت حمایت گسترده از حقوق کودکان، قانون حمایت از کودکان و نوجوانان را تصویب کرد. مهم‌ترین ویژگی این قانون از حیث حمایت‌های شکلی را می‌توان به شرح ذیل دسته‌بندی کرد:

- «تلقی‌نمودن کلیه اشخاص زیر ۱۸ سال تمام به عنوان کودک یا نوجوان بر حسب مورد بدون تفاوت در جنس (ماده ۱).

- اعطای جنبه عمومی به مصادیق کودک‌آزادی مرقوم در

قانون (ماده ۵).

در قانون، اگرچه می‌توانست نقطه پایان نزاع‌های «تعیین حدود متعارف تنبیه» باشد، اما از دو جهت قابل تأمل است:

- تصویب و اجرای قانون یکپارچه، با توجه به فرهنگ‌ها و سنن گوناگون در کشور پهناور ایران، بدون ارجاع برخی موارد به عرف محل کاری بسیار دشوار است و شاید به همین دلیل است که قانونگذار ۱۳۸۱ همچنان موضوع را بی‌نیاز از تعیین دانسته است.

- عدم تعیین حد تنبیه و تأدیب، به هیچ وجه به معنای فاقد وصف کیفری دانستن اعمال مجرمانه والدین نیست، چراکه مطابق عبارت مندرج در ماده ۲، ماهیت کودک‌آزادی، «اذیت و آزار» است، پس می‌بایست مجرم سوءنیت عام و خاص داشته باشد. همچنین عمل ارتكابی، مقید به حصول نتیجه مجرمانه، یعنی ورود «صدمات جسمی یا روانی یا اخلاقی» شود. با این توضیح، صرفاً تنبیه و تأدیبی که به منظور «مصلح خانوادگی» و با «حسن نیت» باشد، به حکم قانون جرم نبوده و قابل مجازات نیست.

مبارزه با جرم کودک‌آزادی علاوه بر تصویب قانون خاص، نیازمند پیش‌بینی ساز و کارهای اجرایی قانون است. تبیین نقش‌های اجرایی و نظارتی نهادهای مرتبط با حقوق کودک، خلأیی است که در قانون جاری وجود دارد. وضع مجازات برای ریشه‌کنی معضل کودک‌آزادی، هرچند لازم، اما کافی نیست. نام قانون با عبارت «حمایت» از کودکان و نوجوانان شروع شده است، اما در متن روش اجرایی برای نحوه اقدامات حمایتی خاص برای کودکان بزه‌دیده نظیر ارائه خدمات مددکاری، مشاوره‌ای، توانمندسازی خانواده و... وجود ندارد (۵).

کودک‌آزادی بزه اجتماعی خاص زندگی جمعی است که می‌توان با بررسی علل و عوامل شکل‌گیری جرم، تصویب و اجرای برنامه‌ها پیشگیرانه در سه سطح: ۱- قبل از وقوع جرم؛ ۲- در حین وقوع جرم؛ ۳- پس از وقوع جرم تا حد امکان آن را کنترل نمود. تأمین امنیت اجتماعی جامعه با برخوردار ساختن افراد از نیازهای اساسی زندگی بر پایه برنامه‌های فقرزدایی، توجه بیشتر به نقش آموزش و پرورش رسمی با تأکید بر فرهنگ غنی اسلامی، ایجاد هماهنگی بین نهادهای خانه، مدارس، اجتماع، رسانه‌ها و... تبیین جایگاه قانونی در

قانون حمایت از کودکان و برای نهادهای مرتبط با کودکان، بازپروری و مشاوره و روان درمانی مرتکبین و... از راه‌کارهایی است که می‌تواند در این زمینه مؤثر باشد. بر این اساس، قوه قضاییه با تنظیم پیش‌نویس «لایحه حمایت از کودکان و نوجوانان» در اسفند ۱۳۸۷ در ۵۴ ماده در نظر داشت ایرادات قانون ۱۳۸۱ را مرتفع نماید. لایحه پیشنهادی، دارای محاسن قابل دفاع و در عین حال برخی انتقادات و پیشنهادهای اصلاحی در این باره قابل طرح است (۱۱).

- ارائه تعاریف مربوط به بی‌توجهی و سهل‌انگاری، سوء رفتار، بهره‌کشی، فحشا.

- هرزه‌نگاری، تعیین مصادیق وضعیت‌های مخاطره‌آمیز که می‌تواند تفاسیر متعددی که گاهاً موجبات تضییع حقوق کودک بزه‌دیده را فراهم می‌آورد.

- مداخله فوری قضایی به منظور پیشگیری از بزه‌دیدگی کودکان و نوجوانان در معرض خطر شدید و قریب‌الوقوع یا جلوگیری از ورود آسیب بیشتر به آن‌ها.

- ارائه مشاوره و معاضدت‌های حقوقی و ایجاد شرایط مناسب در خانواده برای کودکان و نوجوانان در معرض خطر یا بزه‌دیده و معرفی آنان به بهزیستی یا سایر نهادهای مربوط.

- تبیین وظایف قانونی سازمان‌ها و نهادهای مرتبط با کودکان و نوجوانان شامل سازمان بهزیستی، شهرداری و...

- تبیین وظایف قانونی مددکاران اجتماعی بهزیستی در جرائم کودک‌آزادی در مراحل تحقیق، رسیدگی و تدابیر حمایتی.

- امکان ورود مددکاران اجتماعی بهزیستی به محل وقوع جرم تحت شرایط خاص.

- اتخاذ تصمیم در خصوص وضعیت سرپرستی کودک و نوجوان آزاردیده.

- عدم احضار کودک بزه‌دیده و مواجه وی با شخص بزه‌کار. - پیش‌بینی جلسه نیمه علنی دادرسی.

- انجام مصاحبه‌ها و تحقیقات از کودکان و نوجوانان بزه‌دیده توسط افراد آموزش‌دیده.

- رویکرد بازتوانی و مجازات‌زدایی برای والدین کودک آزار. - توجه به استمرار حضور کودک در خانواده در تمام تدابیر

و اقدامات حمایتی متأخذه.

گونه خرید، فروش، بهره‌کشی و به کارگیری کودکان به منظور ارتکاب اعمال خلاف از قبیل قاچاق شش ماه تا ۲ سال حبس و جزای نقدی از ده میلیون ریال تا بیست میلیون ریال مجازات می‌داشت، به علاوه این قانون هیچ وظیفه یا تکلیفی در خصوص حمایت از کودکان را بر عهده نهادها و ارگان‌های دولتی نمی‌گذاشت و صرفاً برخی مؤسسات و افراد را مکلف می‌دانست که در صورت مشاهده کودک‌آزادی، مراتب را به مقام صالح قضایی اعلام کنند، اما قانون جدید حمایت از کودکان و نوجوانان، دو تغییر مهم نسبت به قانون قبلی دارد. اول این‌که به نحو نسبتاً وسیعی به معرفی جرائم علیه کودکان و مصادیق کودک‌آزادی پرداخته است و برای هر کدام از این موارد، مجازات‌هایی معرفی کرده است؛ دوم این‌که، در راستای حمایت از کودکان و نوجوانان و به ویژه کودکان و نوجوانان در معرض آسیب وظایف و تکالیفی را بر عهده چند نهاد مهم دولتی از جمله وزارت بهداشت، وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی، وزارت آموزش و پرورش و نیز صدا و سیما نهاده است و به نحوی همه این ارگان‌ها را در فرایند حمایت از کودکان و نوجوانان دخیل کرده است (۱۵).

مطابق ماده ۲ این قانون، تمام افرادی که کم‌تر از ۱۸ سال دارند، مشمول حمایت‌های این قانون می‌شوند. نکته حائز اهمیت در خصوص این ماده قانونی سن بلوغ در نظام فقهی و حقوقی ایران است. مطابق قوانین ایران و فقه شیعه، سن بلوغ در دختران نه سال تمام قمری و در پسران پانزده سال تمام قمری است. این امر به این معنی است که دختران بعد از نه سال و پسران بعد از پانزده سال از نظر قوانین مدنی و اسلامی دیگر «طفل» و کودک محسوب نخواهند شد و با آن‌ها مانند بزرگسالان رفتار خواهد شد.

با وجود این، با توجه به مناسبات و اقتضات اجتماعی، به سختی می‌توان یک دختر ۹ ساله و یا حتی یک پسر ۱۵ ساله را بزرگسال محسوب کرد و آن‌ها را نیازمند حمایت‌های قانونی ویژه ندانست. به همین دلیل، علی‌رغم این‌که قانون مدنی ایران سن بلوغ را همان سن بلوغ شرعی می‌داند، قانون جدید حمایت از کودکان و نوجوانان (و برخی قوانین دیگر از جمله قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ ش.) با جداکردن مفهوم

از نکات مثبت و ارزنده لایحه پیشنهادی است، اما لایحه از برخی جهات نیز قابل ایراد است:

- با توجه به لزوم رعایت نکات در قانون‌نویسی، بهتر است در نام لایحه عبارتی درج شود تا مشخص شود حمایت مورد نظر قانونگذار، حمایت خاص از کودکان بزه‌دیده است.
- تدوین‌کنندگان لایحه، با هدف پیشگیری از وقوع جرم در بسیاری موارد مجازات مرتکب را تشدید و کیفیات مخففه (تخفیف، تعلیق، آزادی مشروط) را حذف نموده‌اند.
- همچنین برای معاونت در خودکشی، فرار از منزل، ترک تحصیل کودک یا نوجوانان مجازات تعیین کرده‌اند! (۹).

۳- قوانین مصوب سال ۱۳۹۲

قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، قانونگذار کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی را به تعزیرات مصوب ۱۳۶۱ اختصاص داده است که فصل هفدهم آن را به «جرائم علیه اشخاص و اطفال» اختصاص داده است که در این فصل برخی از مواد ناظر به جرم‌انگاری خاص یا تشدید کیفر در حمایت از کودکان و نوجوانان بزه‌دیده است:

- تعرض، مزاحمت و توهین از طریق الفاظ و حرکات در اماکن یا معابر عمومی علیه اطفال (طبق ماده ۶۱۹).
- ربودن یا مخفی کردن کودک زیر ۱۵ سال به قصد مطالبه وجه یا مال یا انتقام یا به قصد دیگر به عنف یا تهدید یا حيله یا هر روش دیگر (طبق ماده ۶۲۱).
- ربودن یا مخفی کردن طفل تازه متولدشده یا معرفی او به جای طفل دیگری یا متعلق به زن دیگر (طبق ماده ۶۳۱).
- رهاکردن طفل فاقد قدرت محافظت از خود در محل خالی از سکنه یا در محل آبادی و دارای سکنه و ایراد وقوع صدمه بدنی به وی (طبق ماده ۶۳۳) (۱۴).

۴- قوانین مصوب سال ۱۳۹۷

اولین نکته مهم در خصوص این قانون جدید، حجم این قانون نسبت به قانون قبلی و مواردی است که مطرح می‌کند. قانون قبلی تنها در چند ماده مختصر، هر نوع آزار و اذیت کودکان، خرید و فروش و بهره‌کشی از آنان را به طور کلی ممنوع می‌کرد، بدون این‌که برای این کار مجازات چندانی پیش‌بینی کنند. به عنوان مثال مطابق ماده ۴ این قانون هر

«طفل و کودک» از «نوجوان» سعی دارند که اقدامات حمایتی را به کودکان بالغ زیر ۱۸ سال نیز تسری دهند. به این ترتیب همه افرادی که به سن بلوغ شرعی رسیده‌اند (۹ و ۱۵ سال تمام قمری)، اما زیر ۱۸ سال دارند، اگرچه کودک و طفل محسوب نمی‌شوند، اما نوجوان هستند و مشمول حمایت‌های این قانون خواهند بود (البته این امر دغدغه‌های حامیان حقوق کودکان در خصوص مسائلی مانند ازدواج کودکان را حل نمی‌کند، چراکه مطابق قوانین ایران، دختران بالای ۱۳ سال می‌توانند با اجازه ولی ازدواج کنند) (۱۲).

نکته مهم دیگری که در این قانون به آن توجه شده، حمایت از کودکان و نوجوانان در معرض خطر و آسیب (و نه فقط کودکان و نوجوانان بزه‌دیده) و پیش‌بینی برخی اقدامات پیشگیرانه در این خصوص با کمک و همراهی مددکاران اجتماعی و دادگاه خانواده است.

مطابق ماده ۳ این قانون، در موارد مشخصی، در صورتی که طفل یا نوجوان در معرض بزه‌دیدگی یا آسیب به سلامت جسمی، روانی، اجتماعی، اخلاقی، امنیت و یا وضعیت آموزشی قرار بگیرد، وضعیت مخاطره‌آمیز تلقی می‌گردد و موجب مداخله و حمایت قانونی از طفل و نوجوان می‌شود. از جمله این موارد می‌توان به این موارد اشاره کرد:

- بی‌سرپرستی طفل و نوجوان، بی‌توجهی و سهل‌انگاری در انجام وظایف قانونی نسبت به آنان از سوی هر شخصی که مکلف به آن است، زندانی‌شدن هر یک از والدین یا سرپرستان قانونی به اعتیادهای زیان‌آور مانند مواد مخدر، روان‌گردان یا قمار، خشونت مستمر والدین، اولیا، سرپرستان قانونی و یا سایر اعضای خانواده نسبت به یکدیگر، بازماندن طفل و نوجوان از تحصیل، طردشدن طفل و نوجوان از سوی خانواده، هرگونه وضعیت زیان‌بار ناشی از فقر شدید، آوارگی، پناهندگی، مهاجرت یا بی‌تابیتی، فرار مکرر از خانه یا مدرسه و ترک تحصیل از سوی طفل یا نوجوان.

نکته مهم دیگر در خصوص این قانون، پرداختن به بحث اذیت و آزار جنسی کودکان است. مطابق ماده ۱۰ این قانون، موارد زیر جرم محسوب می‌شود که حداکثر مجازات آن حبس از دو تا پنج سال است:

- بهره‌کشی جنسی از طفل و نوجوان از طریق عرضه، در اختیارگرفتن، وادار یا اجیرکردن برای هرزه‌نگاری یا سوءاستفاده جنسی.

- در دسترس قراردادن یا ارائه محتوا یا اثر مستهجن یا مبتذل به طفل یا نوجوان.

- استفاده از طفل و نوجوان برای تهیه، تولید، توزیع، تکثیر، نمایش، فروش و نگهداری آثار سمعی و بصری مستهجن یا مبتذل.

- واردات، صادرات، حمل، تکثیر، انتشار، عرضه، معامله یا بارگذاری محتوا یا اثر مستهجن یا مبتذل که در آن‌ها از اطفال و نوجوانان بهره‌گیری شده.

- برقراری ارتباط با طفل و نوجوان در فضای مجازی به منظور هرگونه آزار جنسی یا ارتباط جنسی نامشروع (۱۵).

فعالان حقوق کودک مجازات‌های مطرح‌شده در این ماده را ناکافی می‌دانند و به برخی موارد آن اعتراض دارند، از جمله این‌که مطابق با بند ۲ ماده ۱۰ این قانون، مجازات آزارهای جنسی اگر با عنف (با زور و اجبار و بدون رضایت) نباشد، کم‌تر خواهد شد؛ این افراد بر این باورند که درست نیست که رضایت فرد زیر ۱۸ را عاملی مؤثر در کاهش مجازات فرد آزاردهنده محسوب کنیم. به عبارت دیگر آن‌ها این سؤال را مطرح می‌کنند که آیا اصلاً می‌توان رضایت کودک و نوجوان در این مورد را معتبر دانست؟

توجه دیگری این قانون به حق تحصیل کودکان و نوجوانان است. به این ترتیب که در این خصوص، قانونگذار نه تنها برای والدین و سرپرستان تکالیف مهمی پیش‌بینی کرده است و در صورت عدم انجام این وظایف برای آن‌ها مجازات‌هایی (جزای نقدی) مشخص کرده، بلکه نهادهای دیگر را هم در این خصوص مسؤول شناخته است، از جمله این‌که سازمان ثبت احوال کشور باید با همکاری سایر نهادهای مربوط و با در نظر گرفتن اقامتگاه اشخاص و تغییرات آن، هر سال حداقل سه ماه پیش از آغاز سال تحصیلی جدید، اسامی و نشانی اطفال و نوجوانان ایرانی و غیر ایرانی را که به سن قانونی تحصیل رسیده‌اند، به آموزش و پرورش اعلام کند.

خود را داشت و نیاز به بررسی‌های خاص خود داشت، این لایحه کمی طول کشید و خوشبختانه در ۲۳ اردیبهشت سال ۱۳۹۹ به تصویب نهایی رسیده و از ۱۱/۴/۱۳۹۹ لازم‌الاجرا شده است. این قانون ۵۱ ماده و ۱۵ تبصره دارد و تمام آن‌ها برای حمایت از افراد زیر ۱۸ سال در نظر گرفته شده است. در ماده‌های ۱ و ۳ این آسیب‌ها تعریف شده‌اند.

۲-۵- ابعاد حمایتی قانون: همانطور که از نام این لایحه پیدا است، یک قانون حمایتی است. چه در سطح بین‌الملل و چه در سطح داخلی قوانینی در خصوص حقوق کودکان داریم که محور آن‌ها حمایت است. در بحث حقوق کیفری، کودکان در ۴ محور بزه‌کاری، بزه‌دیدگی، شاهدبودن و در معرض خطر بودن مورد توجه قرار گرفتند. در حقوق کیفری تا دهه ۸۰، کودکان چندان مورد توجه نبودند و شاید اندکی مورد بی‌مهری قرار گرفته بودند و از سال ۸۰ نهضتی در قلمرو حقوق کیفری برای توجه به حقوق کودک شکل گرفت و در ابعاد مختلف کودکان مورد توجه قرار گرفتند.

۳-۵- مفاد و موضوعات مورد توجه قانون حمایت: اولین گام در این قانون، تحلیل و شناسایی آسیب‌هایی است که کودکان در معرض آن هستند. در بخش اول این قانون به این آسیب‌ها توجه شده و در ماده یک آن تعریفی از اطفال و نوجوانان آمده است. آنچنانکه طفل به دختران زیر ۹ سال و پسران زیر ۱۵ سال و نوجوانان به افراد بالغ زیر ۱۸ سال توجه می‌شود (۱۲).

در این قانون به آسیب‌هایی که افراد از آن رنج می‌برند نیز توجه ویژه شده است. این آسیب‌ها عبارتند از بی‌توجهی و سهل‌انگاری که مفهومی وسیع است و برای حمایت از کودکان در این قانون توجه شده است. منظور از کوتاهی و سهل‌انگاری، بی‌توجهی والدین در انجام تکالیفی است که در قبال کودکان خود موظف به انجام آن هستند. آسیب دیگر سوءرفتار است. این واژه هم کلی است و هرگونه فعل و ترک فعل عمدی که سلامت اخلاقی و اجتماعی طفل را مورد آسیب قرار دهد، مانند توهین، تأدیب و... مورد توجه قرار داده است. بهره‌کشی اقتصادی نیز از دیگر آسیب‌هایی است که به مسائل کار مطرح است و مقررات بین‌الملل و قانون کار کشور خودمان نیز کار را

همچنین وزارت آموزش و پرورش مکلف است موارد عدم ثبت نام و مشکوک به ترک تحصیل اطفال و نوجوانان تا پایان دوره متوسطه را به سازمان بهزیستی و یا دفتر حمایت از اطفال و نوجوانان قوه قضاییه اعلام کند و اقدامات لازم را جهت ثبت نام و حمایت تحصیلی کامل از اطفال و نوجوانان تا پایان دوره متوسطه انجام دهد. علاوه بر این، در صورت عدم تمکن والدین و سرپرستان قانونی، به تشخیص دادستان، وزارت آموزش و پرورش و سازمان بهزیستی مکلفانند امکانات لازم را برای تحصیل اطفال و نوجوانان فراهم کنند. مضاف بر این، هرگونه تشویق کودک یا نوجوان به ترک تحصیل یا فرار از مدرسه نیز جرم‌انگاری شده و هر فردی که با هر ابزاری کودک یا نوجوانی را به ترک تحصیل تشویق و ترغیب و یا حتی تهدید کند، مجازات خواهد داشت.

در مجموع، می‌توان گفت که رویکرد این قانون حمایتی است، هرچند همانطور که اشاره شد، انتقاداتی نیز به این قانون وارد شده است، از جمله این‌که برخی حامیان حقوق کودک مجازات‌های مطرح‌شده در آن را کافی نمی‌دانند و از طرفی برخی دیگر بر این باور هستند که این قانون زمینه برخی مداخله‌های غیر ضروری دولت در نهاد خانواده را فراهم می‌کند. با وجود این، به نظر می‌رسد که این قانون تغییرات مثبت و رو به جلویی را در زمینه حمایت از کودکان و نوجوانان در حقوق ایران ایجاد خواهد کرد و ساختارهای قانونی لازم را برای همکاری نهادهای مختلف در این امر مهم فراهم می‌کند.

۵- قوانین مصوب سال ۱۳۹۹

قانون حمایت از اطفال و نوجوانان سرانجام پس از کش و قوس‌های بسیار در ۲۳ اردیبهشت ۱۳۹۹ به تصویب رسید؛ قانونی که به نظر می‌رسد، به دلیل دارا بودن ابعاد حمایتی از کودکان در محورهای مختلف مؤثر و کارا باشد (۱۲).

۱-۵- فرایند تصویب قانون حمایت از اطفال و

نوجوانان: قانون حمایت از اطفال و نوجوانان مصوب سال جاری است. بحث مطالعاتی قانون مورد بحث در سال ۱۳۸۳ آغاز و تا مراحل تدوین و تصویب آن حدود ۴ تا ۵ سال طول کشید. به لحاظ این‌که موضوع جدید بوده و نوآوری‌های خاص

برای افراد زیر ۱۵ سال ممنوع و افراد ۱۵ تا ۱۸ سال را تحت شرایط خاص اجازه داده است. منظور از این قانون، وادار کردن کودک به کار به گونه‌ای که به لحاظ جسمی، روانی و اخلاقی برایش آسیب‌زا باشد، ممنوع است.

از دیگر آسیب‌هایی که کودکان از آن رنج می‌برند بحث خرید و فروش کودکان است که از آن با عنوان معامله کودک یاد می‌شود. در این قانون با این آسیب نیز مخالفت می‌شود. فحشا و هرزه‌نگاری نیز از بحث‌هایی است که امروزه با گسترش فضای مجازی گسترش یافته و در این قانون به طور خاص توجه می‌شود (۱۲).

همچنین در این قانون بازماندن طفل و نوجوان از تحصیل مورد توجه قرار گرفته و حدود حمایت از کودکانی که از تحصیل بازمانده‌اند نیز مشخص شده است. همچنین به بهزیستی و دادستان اجازه داده شده تا در صورت نیاز نسبت به این مسأله اقدام کنند. طرد شدن کودک و طفل از سوی خانواده نیز مورد توجه قرار گرفته و همچنین کم‌توانی جسمی و روانی کودکان زیر ۱۸ سال یا اختلال هویت جنسیتی نیز در این قانون مورد توجه قرار گرفته است.

بزه‌کاری کودکان نیز مورد توجه قرار گرفته است، هرچند بزه‌کاری در جای دیگری مطرح است، اما در این قانون افرادی که مرتکب بزه‌کاری می‌شوند و زیر ۱۸ سال هستند، به عنوان وضعیت مخاطره‌آمیز که نباید با آن‌ها رفتار کیفری شود، مورد توجه قرار گرفته است. نهایتاً این که در این قانون به آسیبی توجه شده به نام خطر شدید و قریب‌الوقوع که سلامت جسمی و روانی کودک را مورد توجه قرار می‌دهد. در این خصوص در ماده ۳۱، ۳۲ و ۳۳ برای دادستان و مقامات قضایی و سازمان بهزیستی وظایف و تکالیفی در نظر گرفته شده است که طفل اگر در معرض خطر قریب‌الوقوع است، در آن‌ها دخالت کند (۱۲).

وضعیت مخاطره‌آمیز در ماده ۳ دیده شده و طفل یا نوجوان در معرض خطر را تعریف کرده است و مصادیق آن را برشمرده است. به این معنی که کودکی که در معرض خطر جسمی، روانی و اجتماعی و... قرار گیرد، با عنوان وضعیت مخاطره‌آمیز تعریف می‌شود و دستگاه‌های مختلف نیز در این

خصوص وظایفی دارند. برای مثال زندانی شدن والدین یکی از وضعیت‌های مخاطره‌آمیز برای کودکان است که در این امر وظیفه بر عهده سازمان زندان‌ها است. به این صورت که اگر کسی فرزندی دارد که با زندان‌افتادن آن والد، کودک بدون سرپرست می‌شود، در این شرایط باید اطلاع داده شود تا از کودک وی حمایت صورت بگیرد. مورد دیگر اعتیاد است مورد بعد خشونت اعضای خانواده نسبت به کودک و یا نسبت به یکدیگر است. در صورتی که این‌گونه تصور شود که این خشونت در فضای خانواده برای کودک آسیب‌زا است، تلاش می‌شود تا اقداماتی صورت بگیرد (۱۲).

۴-۵- توجه به بعد قضایی در قانون: از بعد قضایی باید

به ساختارها توجه کرد، به طوری که در فصل دوم اشاره شده تمامی دستگاه‌های دخیل در این حوزه باید همکاری لازم را داشته و برای این منظور تشکیلاتی را ایجاد و شرح وظایفی برای آن‌ها در نظر گرفته شود. در این قانون از ۱۰ سازمان قضایی، بهزیستی، انتظامی، سازمان زندان‌ها، وزارت کشور، اداره ثبت احوال، وزارت تعاون، وزارت بهداشت و صدا و سیما توجه شده است. در بحث قضایی ذکر شده که قوه قضاییه موظف است دفتر حمایت از کودکان و نوجوانان را در دادگستری‌های هر استان ایجاد کند. همچنین در ماده ۵ آمده در دادرسی‌ها باید ساختار و تشکیلاتی ایجاد شود که متولی اجرای این قانون و مباحث مربوط به حمایت از کودکان است. در ماده ۲۸ و ۲۹ به ساختارهای قضایی توجه شده و تلاش گردیده برای کودکان شعب خاصی در نظر گرفته شود (۱۴).

یکی از مباحثی که در این قانون به طور خاص توجه شده، توسعه اختیارات دادستان‌ها است که می‌توانند دخالت مستقیم کنند. وقتی کودک در معرض خطر است به دستگاه‌های اجرایی اجازه داده شده تا مداخله کنند. به این صورت که در ماده ۳۳ هرگاه خطر شدید و قریب‌الوقوع طفل و یا نوجوان را تهدید کند، مددکاران اجتماعی بهزیستی یا ضابطان دادگستری و یا واحد حمایت دادگستری اجازه دخالت دارند.

همچنین یکی از بحث‌هایی که مطرح شده مساله جرم‌انگاری است. برای مثال تحریک به خودکشی، تحریک به فرار از خانه و... که منجر به صدمه به کودکان می‌شود، با

خانواده‌ها را مکلف به اخذ مجوزهایی برای نگهداری از فرزندان کند. در ماده ۳۲ نیز به مددکاران اجتماعی و بهزیستی اختیارات بسیاری داده شده است و گفته شده اگر مددکار موقعیت مخاطره‌آمیز طفل را تشخیص دهد، می‌تواند کودک را از آن خانه و محیط خارج کند» (۱۲).

مؤلفه‌های خطر که در قانون حمایت از اطفال وجود دارد ناظر بر ویژگی‌ها، وضعیت‌ها و کاراکترهای آن طفل و یا نوجوان است. در این وضعیت کودک یا می‌تواند دچار ناهنجاری باشد مانند فرار از خانه، فرار از مدرسه، فرار از تحصیل و... که این موارد به نحوی کج‌روی شناخته می‌شوند. باز در چنین مواردی کودک احتیاج به حمایت دارد. حالت سوم بزه‌دیدگی کودکان و حالت چهارم وضعیت خود کودک است، مانند بیماری‌های جسمی و روانی و یا اختلالات جنسیتی که عمدتاً آسیب‌های فردی و یا اجتماعی شناخته می‌شوند. گاهی خانواده‌های در معرض خطر داریم که اگر به هنگام اقدام نکنیم برای کودکان خطرناک می‌شوند. در واقع در اینجا در یک سطح خرد به کودک توجه می‌کنیم یا حتی ممکن است کودک در محیطی که همسالان خوبی نداشته باشد و یا در مدرسه خوبی نباشد، قرار گرفته باشد که در این صورت هم باز باید کودک مورد حمایت قرار بگیرد.

پس از گذشت دو دهه از تصویب قانون حمایت از کودکان بالاخره قانون حمایت از اطفال و نوجوانان مراحل تصویب خود را طی کرد و به دولت ابلاغ شد. قانون سال ۱۳۸۱ در زمان خود حرکتی رو به جلو و راضی‌کننده در جهت دفاع از حقوق کودکان و نوجوانان بود، متعاقب آن نیز آیین‌نامه ساماندهی کودکان کار و خیابان مصوب هیأت وزیران در سال ۸۴ تا حدودی وظایف و مسؤولیت‌های سازمان‌ها و نهادها را در این موضوع روشن کرد، کنوانسیون حقوق کودک نیز پس از تصویب در ایران در سال‌های اخیر نقش مؤثری در دفاع از حقوق کودکان و کرامت آنان ایفا نمود، اما همه این‌ها در چند حوزه نقایص جدی داشته‌اند که عمده‌ترین آن‌ها ضعف در هماهنگی ساختاری، ضعف در ضمانت اجرایی، ضعف در مبانی نظری و تعاریف و بازدارنده نبودن مجازات‌های اعلامی و همچنین کافی نبودن نقش مددکاری اجتماعی در اجرای قانون

عنوان جرم‌انگاری نگرینسته شده و سعی شده در این موارد با خاطیان برخورد شود. همچنین در بحث‌های شکلی و آیین دادرسی هم برای رسیدگی به پرونده‌هایی که قربانی آن کودکان است، مواردی دیده شده که از جمله آن‌ها تشکیل پرونده شخصیت است. به این صورت که می‌توان برای قربانیان جرائم پرونده شخصیت تشکیل داد (۱۱).

۵-۵- توجه به خانواده در قانون حمایت از اطفال و نوجوانان:

در قانون حمایت از اطفال و نوجوانان لفظ خانواده به کرات مورد استفاده قرار گرفته است و حسب کاربرد آن در متن قانون مورد توجه قرار گرفته است. در هیچ یک از اسناد بین‌الملل خانواده تعریف نشده است. علت این است که خانواده به دلیل ماهیت ویژه، گستردگی و محدودیت‌های خاص تعریف دشواری دارد. می‌توان خانواده را این‌گونه شناخت که گروهی متشکل از ۲ یا چند نفر که به لحاظ حقوقی و پیوند قانونی با یکدیگر زندگی می‌کنند و تغذیه، رشد و تربیت کودک را بر عهده دارند. این خانواده می‌تواند به شکل خانواده گسترده، هسته‌ای، تک‌والدی و یا خانواده‌های جایگزین باشند. بنابراین با گسترده‌ای از خانواده‌ها مواجه هستیم که همواره به حفظ و مراقبت از فرزندان می‌پردازند.

موضوع دیگر بحث حمایت است. معمولاً پیشگیری، تعقیب و پیگیری افراد، مجازات افراد که به حقوق کودک تجاوز می‌کنند، تمهید تسهیلات برای کودکان و یا خانواده آن‌ها و مشارکت در خانواده با عنوان محدوده‌های حمایت شمرده می‌شود. بنابراین حمایت دو هدف کلی دارد یا پیشگیری و یا دادن پاسخ مناسب (۷).

۵-۶- خانواده‌های در معرض خطر و چتر حمایتی

قانون: در این قوانین به اهمیت خانواده توجه شده، به گونه‌ای که، قانون حمایت از اطفال و نوجوانان می‌گوید کودک را اساساً باید در داخل خانواده توجه کرد. خانواده‌های در معرض خطر «خانواده‌هایی هستند که محیط خطرناک شناخته می‌شوند. به طور خاص در این قانون به عدم جدایی کودک از خانواده توجه شده و در ماده ۵ بند «پ» ایجاد شرایط لازم در خانواده برای کودکان در معرض خطر و یا بزه‌دیده توجه شده است. همچنین در ماده ۴۳ دادستان می‌تواند والدین و

از ابتدا تا کیفردهی بوده که تمامی این ضعفها در قانون جدید در حد قابل ملاحظه‌ای مرتفع شده است (۱۲).

۷-۵- تغییرات ساختاری: در قانون قبلی «وظایف سازمانی مشخصی وجود نداشت و فقط جرم‌انگاری شده بود و متعاقب آن مصوبه هیأت وزیران تحت عنوان آیین‌نامه ساماندهی کودکان کار در حد آیین‌نامه مصوب سال ۸۴ تا حدودی ساختارسازی کرده بود، به طوری که ۱۲ تا سازمان مسؤولیت‌هایی را در قبال ساماندهی کودکان کار و خیابان داشتند. بررسی نقش این آیین‌نامه نشان می‌دهد که کمیته ساماندهی موضوع این آیین‌نامه در سال‌های گذشته کم‌تر تشکیل شده است و دوره‌های افول و رشد را داشته است و تعدادی از اعضا، آن با افزایش نقش و تعدادی نیز نقش تأثیرگذاری نداشتند در قانون جدید سازمان‌های مسؤول دقیق‌تر انتخاب شده‌اند و شرح وظایف جدی‌تری نیز به آن محول شده است و وظایف به جای آیین‌نامه در متن قانون مصوب مجلس آمده است، تعدادی از سازمان‌های بی‌تأثیر آیین‌نامه قبلی حذف شده است و تعدادی از سازمان‌ها مثل سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و سازمان ثبت احوال اضافه شده است (۱۳).

تغییر ساختاری دیگر این قانون محول کردن تولی‌گری قانون به یک نهاد جدید در قوه قضاییه است، آیین‌نامه ساماندهی کودکان کار و خیابان ذیل کارگروه فرهنگی اجتماعی استانداری فعالیت می‌کند، ولی متولی اجرا و نظارت در این قانون دفتر جدیدالتأسیس حمایت از اطفال و نوجوانان قوه قضاییه است، این دفتر در قانون جدید ۶ وظیفه مهم و اساسی را بر عهده دارد که به نظر می‌رسد بر ضمانت اجرایی قانون تأثیر دارد و قرار است با تشخیص رییس قوه قضاییه در شهرستان‌های مختلف تشکیلات و ساختاری مناسبی به آن اختصاص می‌یابد. اگر تأسیس این دفتر مشمول مرور زمان نشود و به سرعت ایجاد شود می‌تواند اراده قانونگذار در بهبود وضعیت کودکان را خیلی زودتر و جدی‌تر محقق نماید (۱۴).

تغییر ساختاری دیگر مشخص کردن شرح وظایف مشخص برای شناسایی و معرفی و پذیرش، ارجاع، حمایت، نگهداری و توانمندسازی کودکان و نظارت است که سازمان‌های بهزیستی،

نیروی انتظامی، سازمان زندان‌ها، آموزش و پرورش، وزارت کشور، ثبت احوال و وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی وظایف کاملاً مشخصی دارند که در قانون فعلی و در آیین‌نامه ساماندهی کودکان کار و خیابان به آنان اشاره‌ای نشده بود. تغییر ساختاری دیگر تأسیس و یا تقویت پلیس ویژه اطفال و نوجوانان است. با توجه به موارد فوق راه برای تشکیل دادگاه‌های اطفال در دادگستری‌ها نیز فراهم و ضروری‌تر می‌شود. عدم ذکر نام کمیته امداد در مجموعه سازمان‌های متولی و وظیفه‌مند از نقائص جدی این قانون است، زیرا کمیته امداد در حوزه خانواده‌های آسیب‌دیده زنان سرپرست خانواده و سرپرست زندانی خدمات گسترده‌ای دارد که مشمول کودکان در معرض آسیب آنان نیز هست (۱۴).

۸-۵- تغییرات رویکرد در قانون جدید: با ملاحظه تعاریف مندرج در قانون وظایف محوله به سازمان‌ها و نهادها و مجازات‌های مشخص شده، روشن است «که قانونگذار حساسیت بیشتر به وضعیت کودکان آسیب‌دیده داشته و دامنه اعمال مجرمانه و خلاف مصلحت کودک را بیشتر نموده و به مصلحت کودک و نوجوان توجه بیشتری نشان داده است و با تفصیل بسیاری از مفاد قانون و تصریح در بعضی موارد بسیاری از اعمال سلیقه‌ها و اختلاف نظرها را بسته و محدود کرده است، وضعیت‌های مخاطره‌آمیز کودکان را به ۱۴ مورد گسترش و تسری داده است و با ایجاد ساختار مناسب و تعیین شرح وظایف، ضمانت اجرایی بیشتری به قانون داده است. تأمین امنیت مددکاران اجتماعی فعال در این قانون و توجه به وضعیت‌های مخاطره‌آمیز که می‌تواند آستان حوادثی برای کودکان باشد، تأکید بر جداسازی نگهداری اطفال از نوجوانان در کانون اصلاح و تربیت از این تغییر رویکردهای خوب است توجه به افراد فاقد هویت و تعیین تکلیف آنان، وظیفه‌مند کردن بازرسان اداره کار در خصوص پیگیری از به کارگیری کودکان در کارگاه‌ها و معرفی اطفال به نهادهای حمایتی و تأکید بر پوشش بیمه‌ای نوجوانان شاغل ۱۵-۱۸ سال نیز از همین تغییر رویکرد است. تأکید قانون بر تحصیل کودکان و نوجوانان تا پایان دوره متوسطه و تعیین مجازات برای والدینی که از تحصیل کودکان و نوجوانان خویش ممانعت نمایند نیز

قریب الوقوعی را دریافت کنند، می‌توانند بلافاصله در حدود وظایف و اختیارات قانونی یا مشارکت و کمک والدین اولیا برای رفع خطر و کاهش آسیب اقدام و در موارد ضروری وی را از محیط خطر دور کنند و حتی به مراکز مربوط منتقل کند و سپس ظرف ۱۲ ساعت به دادستان اطلاع دهند. مددکاران اجتماعی می‌توانند با اجازه مقام قضایی به محل زندگی و کار افراد ورود کنند و گزارش بگیرند و دادستان بر اساس نظر کارشناسان مددکاری اجتماعی می‌تواند نسبت به خروج طفل از محیط خطر و انتقال او به مکان مطمئن و امن مثل بهزیستی و یا سپردن به شخص مورد اطمینان اقدام کند و یا حتی در مواردی که مصلحت کودک و نوجوان ایجاب می‌کند، در خصوص حضانت، ولایت، قیمومت، سرپرستی، ملاقات، عزل ولی قهری، سپردن به خانواده جایگزین یا مراکز بهزیستی و یا بازپروری و یا خانه امن اقدام کند (۱۳).

مددکاران همچنین می‌توانند در دادگاه کیفری اطفال حضور یابند و در بسیاری از موارد مرجع قضایی می‌تواند رعایت مصلحت طفل یا نوجوان، غبطه، تحقیقات مختلف وضع خانوادگی، محل سکونت، اشتغال و تحصیل آنان را به مددکاران اجتماعی بهزیستی محول نمایند و در بعضی موارد نظر مددکاران اجتماعی در تصمیم مرجع قضایی برای صدور قرار تعلیق تعقیب، تعویض، صدور حکم و یا تعلیق اجرای مجازات مؤثر است. مددکاران اجتماعی به عنوان ناظر اجرای حکم دادگاه می‌توانند وارد عمل شوند و در صورت گزارش از اشکال و نقص در اجرای حکم تقاضای بازنگری و تصمیم مجدد از دادگاه صادرکننده حکم قطعی بنمایند. این همه نقش تخصصی و مهم به مددکاران اجتماعی ناشی از تأثیر رویکرد اجتماعی و نگاه بزه دیده به طفل و نوجوان به جای رویکرد قضایی امنیتی صرف و بزه‌کارداشتن کودکان و نوجوانان است (۱۱).

نتیجه‌گیری

به طور کلی در این قوانین تلاش شده تا به خانواده اهمیت بسیار داده شود، از این جهت که ما سنگ بنای جامعه را خانواده می‌دانیم و در موارد مختلف به نقش خانواده و

نشانه تغییر رویکرد است، وظایف مهم‌تر و بیشتری که برای صدا و سیما در تولید و پخش و کنترل و هماهنگی و خدمات اجرایی به صدا و سیما در قانون داده شده است نیز نگاه جدید قانونگذاران بوده است. اولویت‌دادن قانونگذار به اتخاذ تدبیر و اصلاح و حضور کودک و نوجوان در خانواده به جای جداسازی و ارجاع به بهزیستی نیز نگاهی مترقیانه است (۱۵).

۹-۵- جرائم و مجازات‌ها: جرم‌انگاری دقیق رفتارهای

مخاطره‌آمیز و آسیب‌رسان مثل فراهم‌نکردن موجبات تحصیل، فرار طفل، فریب، سهل‌انگاری، بی‌توجهی منجر به نتایج روانی، جسمی، توجه به آزار جنسی، معامله و قاچاق کودکان، بهره‌کشی اقتصادی، خودکشی کودکان از یک طرف و تشدید مجازات مرتکبین نسبت به قانون قبلی می‌تواند از نکات مثبت قانون باشد.» در قانون قبلی حداکثر مجازات‌ها از درجه ۵ تا ۸ قانون مجازات اسلامی تعیین شده بود، در حال حاضر با دقت بیشتر و در بعضی از موارد تا درجه ۳ نیز ارتقا یافته و علاوه بر آن سایر مجازات‌های معمول از قبیل دیه، حد و... نیز کماکان ادامه یافته است. کارکنان دولتی، افراد مشمول، کارکنان بخش‌های درمانی و کسانی که وظیفه گزارش و پیگیری موارد را داشته‌اند، در قبال این وظیفه مسئولیت سنگینی دارند، حتی در بعضی از موارد به عموم مردم نیز اشاره شده است و برای آنان در قبال کوتاهی‌کردن از وظایف، مجازات مشخص شده است و حتی در بعضی از موارد بسته به وضعیت جسمی روانی کودک و یا برای والدین نسبت به سایرین، مجازات‌های سنگین‌تر از دیگران وضع شده است (۸).

۱۰-۵- نقش مددکاران: با تغییر شرایط اجتماعی به نظر

می‌رسد نقش مددکاران روز به روز گسترش می‌یابد. به همین دلیل در جای جای این قانون نسبت به نقش مددکاران تأکید شده است، در جریان رسیدگی دادگاه خانواده گزارش مددکار اجتماعی بهزیستی یا واحد حمایت و حضور وی در دادگاه تأکید شده است. نقش مددکاران اجتماعی بهزیستی پس از اطلاع از وضعیت مخاطره‌آمیز برای کودکان نیز تصریح شده است آنان می‌توانند از والدین و سرپرستان قانونی و سایر افراد مرتبط با طفل و نوجوان دعوت و تحقیقات کنند و به محل سکونت، اشتغال، تحصیل طفل بروند و حتی اگر خطر شدید و

محیط‌های خطرزایی که ممکن است از سوی خانواده برای کودک وجود داشته باشد، مورد توجه قرار می‌گیرد. برای مثال در ماده ۳۶ این بحث شده است که در حوزه خانواده مداخلات بیشتری صورت بگیرد و در صورت نیاز و احتمال خطر برای کودک، وی را سریع از آن محیط خارج کنند. در ماده ۴۲ هم دادگاه می‌تواند تصمیماتی بگیرد و در زمینه حضانت، ملاقات و... محدودیت‌هایی ایجاد کند. در ماده ۲۲ نیز در بندهای مختلف به صراحت اشاره شده است که اگر در برخی جرائم، خانواده و سرپرستان نسبت به کودک بی‌تفاوت باشند یا باعث جرم باشند مجازات برای آن‌ها تشدید می‌شود. بنابراین طبیعی است که اگر خانواده‌ای از کودک خود سوءاستفاده می‌کند، باید بیشتر مورد مجازات قرار بگیرد. در مواردی که ما انتظار حمایت والدین را داریم، اما خلاف آن را شاهد هستیم باید با تشدید کیفر رو به رو شوند. همچنین از ماده ۷ تا ۱۸ قانون به افرادی که سبب صدمه رسیدن به کودکان شوند، توجه شده است. امید است با تلاش قانونگذاران و اجرای دقیق این قانون از مصیبت‌ها و مشکلات کودکان کار و خیابان و در معرض آزار و خشونت کاسته و زمینه رشد همه‌جانبه این آینده‌سازان پیش از پیش فراهم گردد.

References

1. Aghabigloui A. Child Abuse. 1st ed. Tehran: Avand Danesh Publications; 2001.
2. Moazenzadegan HA. The Evolution of Criminal Laws to Protect Children and Adolescents in Iranian Law. *Legal Journal of Justice* 2008; 72(62): 15-40.
3. Beigi J. Support for Child Victimization in Iranian Law. 1st ed. Tehran: Mizan Publishing; 2003.
4. Original Raijian M. Supportive Victimology. Tehran: Dadgostar Publishing; 2005.
5. Zakavi M. Special Victims in the Light of Supportive Victimology. Tehran: Majd Publications; 2011. Vol.1.
6. Shambati H. Juvenile Delinquency. Tehran: Zhoubin Publications; 2000. Ch.9.
7. Ebadi SH. Comparative Child Rights. 2nd ed. Tehran: Kanoon Publications; 2000.
8. Madani S. Child Abuse in Iran. Tehran: Aknoon; 2004.
9. Maleki H. Street Children and Adolescents. Tehran: Now Publishing; 2005.
10. Akhoondi H. United Nations Criminal Policy on Victims' Rights. M.Sc. Thesis. Tehran: Islamic Azad University, Central Tehran Branch; 1375.
11. Aghani AR. Child Physical Abuse. *Scientific Journal of Forensic Medicine* 2010; 21(10): 21-49.
12. Sadeghi M. International fight against prostitution and the sale and purchase of women and children, Scientific. *Legal and Critical Journal of the Bar Association* 1399; 11(7): 11-39.
13. Atouf AH. Prevention of Child Abuse in Iran and the United States. Master Thesis. Tehran: Imam Sadegh (AS) University, Baradaran Branch; 2017.
14. Qasemzadeh F. Child Abuse, Causes and Ways to Prevent It, Paper presented at the Seminar on Child Rights. Tehran: Gerayesh; 2017.
15. Makhlesabadi M. Child Abuse and its Prevention in Iranian Criminal Policy. Tehran: Master Thesis in Criminal Law and Criminology, Azad University of Tehran Markaz; 1398.